

## بررسی روند آینده سیاست خارجی فرانسه در نظام جهانی\*

سید مجتبی جلالزاده<sup>۱</sup>

### چکیده

پس از گذشت سال‌ها جذابیت‌های اقتصادی خاورمیانه برای فرانسه، این کشور را بر آن داشت تا به بهبود موقعیت خود در منطقه بپردازد و امروزه به نقطه‌ای در جهان عرب رسید که ردپای دیپلماتیک او برتر از بریتانیا و در مواردی حتی قابل مقایسه با آمریکا است. یکی از دلایل قابل توجه بازگشت فرانسه آن است که نقاط ضعف گذشته فرانسه به‌طور ناگهانی نقاط قوت این کشور شد. امتناع فرانسه برای پیوستن به آمریکا در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، نه تنها به خودی خود به معنای استقلال این کشور در دیپلماسی خاورمیانه بود، بلکه فرانسه مانند آمریکا و بریتانیا گرفتار خستگی نظامی نشد؛ بنابراین هنگامی که نیکولا سارکوزی تقاضای حمله نظامی به لیبی را کرد؛ اعتبار وی به مراتب بیشتر از دیوید کامرون نخست‌وزیر بریتانیا بود و رهبران فرانسوی برای فروش تسلیحات به دولت‌ها نگران قوانین حقوق بشری نبودند این حضور دوباره فرانسه تحت تأثیر سه عامل اقتصادی، نظامی و امنیتی و عوامل وابسته به آن‌ها برای هر یک از کشورهای خاورمیانه قابل دسته‌بندی است که به تفصیل به توضیح درباره هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت. همچنین حضور مجدد فرانسه در منطقه خاورمیانه و تلاش برای دستیابی به جایگاهی تثبیت شده در این منطقه خود معلول پدیده‌ای بزرگ‌تر و همان نظم در حال گذار روابط بین‌الملل است. در این مقاله کوشیده شده است تا با توجه به روندهای سیاست خارجی فرانسه، آینده‌ای محتمل برای جهت‌گیری‌های آتی این کشور نیز ترسیم گردد.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، فرانسه، نظام جهانی، خاورمیانه، تروریسم.

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد با موضوع «جایگاه ایران در آینده نظام جهانی از منظر آمریکا و اروپا (۱۴۱۵-۱۳۹۴)» می‌باشد.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

## مقدمه

تغییرات تاکتیکی در سیاست خارجی فرانسه در دوره‌های مختلف، رخ داده ولی همواره از نظر استراتژیک اصول حاکم بر سیاست خارجی این کشور ثابت بوده است.

در نظام حکومتی فرانسه، رئیس جمهور از اختیار تقریباً مطلق در تدوین سیاست خارجی برخوردار می‌باشد در نتیجه، تمایلات و گرایش‌های فردی می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تدوین سیاست خارجی داشته باشد. این جایگاه ویژه شخص رئیس جمهور ریشه در شخصیت کاریزماتیک دوگل دارد چرا که کسب استقلال دوباره فرانسه پس از جنگ جهانی دوم که بیانگر برتری ایده‌های دوگل در اختلاف نظر با دولت ویشی بود و حل مشکلات فرانسویان به‌ویژه مسئله الجزایر در جمهوری پنجم، از شارل دوگل یک شخصیت کاریزماتیک ساخت. این کاریزما که بر حمایت مردمی مبتنی بر نوعی پوپولیسم<sup>۳</sup> تکیه زده بود، رئیس جمهور را به اصلی‌ترین عنصر تأثیرگذار در سیاست خارجی فرانسه مبدل ساخت به طوری که ایده‌های او تا به امروز نیز بر سیاست و روابط خارجی این کشور سایه افکنده است. فرانسه به دلیل موقعیت ژئوپلتیک خود چهارراه اروپا به حساب می‌آید و به همین علت، در طول تاریخ بارها مورد تهاجم همسایگان خود قرار گرفته، فرانسه کشوری است که با جنگ زاده شده است. این موقعیت خاص ژئوپلتیک به نوعی ذهنیت استقلال طلبانه فرانسوی که در سیاست خارجی این کشور تا به امروز نیز نمود پیدا می‌کند، شکل داده است و از سوی دیگر این امکان را برای

فرانسه به‌طور تاریخی به‌عنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی همواره از اتفاقات و وقایع در خاورمیانه دور نبوده است و این حضور اگرچه در سال‌های گذشته کم‌رنگ شده بود اما به قطع کامل روابط این کشور با خاورمیانه منجر نشد و حتی در شرایطی مثل امروز که اتفاقات منطقه از قبیل ظهور تروریسم و یا بحران مهاجرت تأثیر خود را حتی در دوردست‌ها از آمریکا گرفته تا فرانسه بر جای گذاشته‌اند، حضور کشور فرانسه بیش‌ازپیش و به دلایل متعدد پررنگ‌تر شد. پیگیری دلایل حضور دوباره فرانسه در خاورمیانه و سیاست‌های این کشور در منطقه برای ایران به‌عنوان یکی از کشورهای مسلمان منطقه امری مهم و قابل توجه است که در این نوشتار به جنبه‌های مختلف حضور فرانسه در خاورمیانه، دلایل و تبعات آن خواهیم پرداخت.

## مبانی نظری و اصول حاکم بر سیاست خارجی

### فرانسه

اصول حاکم بر سیاست خارجی فرانسه و آنچه که از آن تحت عنوان گلیسیم<sup>۱</sup> در سیاست خارجی فرانسه نامبرده می‌شود، گرچه هزینه‌هایی را برای این کشور دربر داشته، اما همواره مبتنی بر شرایط خاص ژئوپلتیک، تاریخ و فرهنگ این کشور بوده است. حیات ایده‌های دوگل<sup>۲</sup> در سیاست خارجی به مدت بیش از پنج دهه، می‌تواند گواهی‌دهنده این امر باشد. لذا هرچند

<sup>۱</sup> Gaullism

<sup>۲</sup> General Charles de Gaulle

<sup>۳</sup> Populism



اتحادیه اروپا و نقش مؤثرتر آلمان در اروپای شرقی و شکست فراندوم قانون اساسی در سال ۲۰۰۵.

۳- چندجانبه‌گرایی: فرانسه معتقد است مقابله با تهدیدات بین‌المللی از طریق اقدامات یک‌جانبه راهگشا نخواهد بود و بهترین شیوه برای رویارویی با این گونه تهدیدات چندجانبه‌گرایی و توسل به ساز و کارهای چندجانبه است. در این خصوص طرح مسئله در شورای امنیت و دست زدن به اقدام نظامی تنها با مجوز شورای امنیت می‌تواند نتایج پرثمری به بار آورد.

۴- لزوم چندقطبی بودن نظام بین‌الملل: از دیدگاه فرانسه، لازم است نظام بین‌المللی اختلافات بلوک‌های تجاری و منطقه‌ای را به رسمیت بشناسد، به گونه‌ای که یک بلوک یا قدرت بر این نظام سلطه پیدا نکند. قطب‌های منطقه‌ای و اقتصادی نظیر آمریکا، اتحادیه اروپا، چین، هند، مرکوسور<sup>۱</sup>، آسه‌آن<sup>۲</sup> و غیره باید بتوانند نقش مستقل خود را در نظام بین‌الملل ایفا کنند (ایزدی، ۱۳۸۶).

### جایگاه و نقش فرانسه در نظام جهانی

فرانسه یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد و یکی از پنج عضو دائم شورای امنیت این سازمان می‌باشد که حق وتو دارد. فرانسه همچنین از اعضای سایر گروه‌های بین‌المللی همچون گروه هفت (G7)<sup>۳</sup>، گروه بیست (G20)<sup>۴</sup>، ناتو، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و سازمان تجارت جهانی است. قدرت اصلی این کشور بعد از دوران جنگ

فرانسه فراهم کرده که در ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به جبران گذشته پرداخته و در عرصه سیاست خارجی بلندپروازی کند (Wallerstein, 2007).

طی یک دهه اخیر در میان نخبگان سیاسی فرانسه در حوزه سیاست خارجی در خصوص اصول زیر اجماع وجود داشته است:

۱- رسالت جهانی: در فرانسه این اعتقاد وجود دارد که این کشور دارای نقشی ویژه در جهان است. پشتوانه این اعتقاد انقلاب کبیر فرانسه و پیام سیاسی و فرهنگی آن است. اعلامیه حقوق بشر و ایجاد نهادهای دموکراتیک از جمله میراث‌های این انقلاب به شمار می‌آید که همین امر باعث شده فرانسه «مأموریتی متمدن ساز» به‌ویژه در قبال کشورهای جهان سوم و نیز در اروپای مرکزی و اوراسیا برای خود قائل باشد و در پی ترویج ارزش‌ها و شیوه زندگی فرانسوی در سراسر جهان برآید.

۲- ارتقای جایگاه فرانسه در نظام بین‌الملل: فرانسه سعی دارد جایگاه و نفوذ خود را در نظام بین‌الملل از طریق عضویت در شورای امنیت سازمان ملل، روابط نزدیک خود با بخش‌هایی از جهان عرب و مستعمرات سابق، اتکا به سلاح هسته‌ای، حقوق بشر و غیره ارتقا بخشد. اما امروزه فرانسه با چالش ناهمخوانی میان وسائل و اهداف روبروست. از همین‌رو، فرانسویان تلاش می‌کنند با استفاده از اهرم اتحادیه اروپا به اهداف خود دست یابند که البته در این زمینه نیز با مشکلاتی مواجه می‌باشند، از جمله گسترش

<sup>۱</sup> Mercado Común del Sur

<sup>۲</sup> Association of Southeast Asian Nations

<sup>۳</sup> هشت کشور صنعتی دنیا: فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن، ایالات متحده آمریکا و کانادا

<sup>۴</sup> بیست اقتصاد بزرگ: ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن، عربستان سعودی، استرالیا، برزیل، کانادا، کره جنوبی، مکزیک، فرانسه، آلمان،

چین، روسیه، اندونزی، ترکیه، آرژانتین، هند، آفریقای جنوبی

جهانی و بعد از پیوستن‌اش به اتحادیه اروپا (که خود یکی از کشورهای مؤسس این اتحادیه بود) روی داد. فرانسه بعد از جنگ در دهه ۱۹۶۰ شروع به ایجاد روابط نزدیکی با آلمان، که بعد از جنگ تبدیل به ویران‌های شده بود، کرد و توانست قدرت خود را افزایش دهد (واعظی، ۱۳۸۶).

کشور فرانسه از اعضای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است؛ اما بعد از ماجرای ارتباط نزدیک آمریکا و بریتانیا با یکدیگر و در راستای حفظ استقلال سیاست خارجی و سیاست‌های امنیتی خود، به نشانه اعتراض، از عضویت در شورای فرمان‌دهی ناتو انصراف داده و خارج می‌شود. فرانسه همچنین تمایل زیادی به شرکت در جنگ عراق نداشت. در سال ۲۰۰۹ و به دلیل حمایت‌های نیکولا سارکوزی<sup>۱</sup>، رئیس‌جمهور وقت فرانسه که گرایش زیادی به آمریکا داشت، فرانسه مجدداً به شورای فرماندهی ناتو ملحق شد. فرانسه از نظر اقتصادی و نظامی کشورهایی که سال‌ها قبل، تحت استعمارش بودند، مانند چاد و ساحل عاج را حمایت کرده و حتی برای برقراری صلح در این کشورها، نیروهای نظامی خویش را روانه این کشورها می‌کند. در آخرین کمک نظامی، فرانسه برای کمک به ارتش مالی، نیروهای نظامی خود را برای کمک به این کشور اعزام نموده است (ملاقدمی، ۱۳۸۲).

## جایگاه و نقش دیگران در سیاست خارجی فرانسه

### الف) اروپا و آمریکا

سارکوزی تلاش کرد تا مناسبات فرانسه با ایالات متحده را که از زمان مخالفت ژاک شیراک<sup>۲</sup> با ائتلاف ضدعراقی به

رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳ رو به سردی گرایید را بهبود بخشد و در سایه ایالات متحده، فرانسه را به بازیگری درجه اول در عرصه بین‌المللی تبدیل کند. سارکوزی پس از چهل سال در راستای بهبود روابط خود با آمریکا دوباره به عضویت ناتو درآمد، با ایجاد پیوند تنگاتنگ‌تر میان اتحادیه اروپا و کشورهای سواحل جنوبی مدیترانه و تشکیل اتحادیه مدیترانه‌ای فرانسه را به بازیگری مؤثر در این منطقه تبدیل کرد.

مهم‌ترین مسئله حال حاضر قاره اروپا، مسئله بحران مالی در حوزه یورو است؛ مسئله‌ای که اتحادیه اروپا و به‌خصوص کشورهای آلمان و فرانسه تلاش کردند تا با اعمال سیاست‌های ریاضت اقتصادی از آثار بحران بکاهند. شاید مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی اولاند در سطح اتحادیه اروپا همین مسئله سیاست‌های ریاضت اقتصادی باشد که منشأ بسیاری از نارضایتی‌ها در دولت‌های کنونی اتحادیه اروپاست. به‌نظر می‌رسد اولاند مانند سارکوزی اعتقادی به سیاست‌های ریاضت اقتصادی که در نیمی از اروپا به اجرا درآمده است ندارد و وی برخلاف آلمان و سارکوزی معتقد است که سیاست‌های انقباضی شدید، اقتصاد را از رونق می‌اندازد و همین مسئله باعث ایجاد نگرانی‌هایی در دولت‌های محافظه‌کار اتحادیه اروپا شده است. در سطح فرآتلانتیکی نیز به‌نظر می‌رسد اولاند به‌تبع سیاست‌های گلیستی سیاست‌های همراهی با ایالات متحده را تعدیل کند و روی عناصری از استقلال‌طلبی فرانسه در عرصه بین‌المللی تأکید کند. وعده برای خروج زودتر از موعد

<sup>۱</sup> Nicolas Sarkozy

<sup>۲</sup> Jacques René Chirac



بیشتر از یکسو و استفاده هرچه بهتر از امکانات موجود خود از سوی دیگر برآمده است (لک، ۱۳۹۴).

فرانسه دیپلماسی فعالی را در خاورمیانه در پیش گرفته است. این دیپلماسی فعال در قالب ابتکارانی از سوی این کشور جلوه‌گر شده است. پیوندهای سنتی فرانسه با خاورمیانه و استفاده از خلاء ناشی از رکود در تحرکات سیاست خارجی آمریکا در منطقه سبب شده تا بار دیگر فرانسه در پی نقش‌آفرینی بیشتر در این منطقه حساس جهان برآید. از جمله ابتکارات اخیر فرانسه می‌توان به نزدیکی با سوریه، تلاش برای برقراری روابط گرم‌تر با اسرائیل، دیپلماسی هسته‌ای و برگزاری اجلاس اتحاد برای مدیترانه در پاریس اشاره کرد. فرانسه ضمن این‌که رویکردی آتلانتیک‌گرا در سیاست خارجی خود در پیش گرفته و بدین وسیله تلاش دارد حمایت ضمنی و یا دست‌کم عدم مخالفت آمریکا را نسبت به ابتکاراتش جلب کند، با استفاده از کلیه ابزارها و امکانات خود می‌کوشد فضا را در منطقه برای نقش‌آفرینی و نیز کسب نفوذ و اعتبار بیشتر به نفع خود مساعد گرداند (ایزدی (الف)، ۱۳۸۷).

### ج) چین

فرانسه با در نظر گرفتن نقش چین در تحولات جهانی برای نزدیکی سیاسی و اقتصادی دو کشور تلاش می‌کند با در نظر گرفتن نامتعادل بودن مبادلات تجاری فرانسه با چین، تقویت همکاری‌های اقتصادی دو کشور ضروری به نظر می‌رسد. تلاش فرانسوا اولاند<sup>۱</sup> رئیس‌جمهوری فرانسه در سفر به چین و رایزنی او با همتای چینی‌اش این است که

نیروهای فرانسوی از افغانستان نمونه‌ای از تلاش‌های اولاند جهت تعدیل روابط با ایالات متحده است (سروستانی، ۱۳۹۱).

### ب) خاورمیانه

دولت فرانسه در کنار بریتانیا نقشی حیاتی در ترسیم خاورمیانه کنونی داشته‌اند، از این رو فرانسوی‌ها همواره به دنبال حفظ و افزایش ظرفیت‌های تأثیرگذاری دولت خود در منطقه خاورمیانه بوده است. نفوذ فرانسوی‌ها عموماً معطوف به منطقه شامات بوده و این کشور به لحاظ سنتی جایگاه بالایی در سطح منطقه خلیج فارس نداشته است.

سیاست‌های دولت‌مردان فرانسه از طریق برقراری مناسبات گسترده سیاسی و نظامی با برخی دولت‌های این منطقه همچون رژیم غاصب صهیونیستی، امارات، قطر و عربستان سعودی نشان از بلند پروازی‌های پاریس جهت تثبیت موقعیت خود در خاورمیانه دارد. آنچه در چارچوب سیاست فعلی این کشور قابل مشاهده است آن که بر خلاف گذشته امروزه کمتر شاهد مواضع مستقل این کشور نسبت به آمریکا هستیم. به‌واقع آنچه سیاست خارجی دولت‌های اولاند و بویژه سارکوزی را از سیاست خارجی دولت‌های قبلی متمایز می‌کند، آتلانتیک‌گرایی، حرکت به سوی نقش‌آفرینی بیشتر در معادلات بین‌المللی به‌ویژه از طریق تلاش برای حل و فصل بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بوده و به‌منظور ارتقای وجهه و اعتبار فرانسه در نظام بین‌الملل و جاه‌طلبی‌های شخصی آنان بوده است. در صحنه خاورمیانه نیز فرانسه در پی رفع موانع برای نقش‌آفرینی

<sup>1</sup> François Gérard Georges Nicolas Hollande

چین انجام وظیفه می‌کرد، گفت: انعقاد این قراردادها بی‌شک گام مهمی برای توسعه صنعت انرژی هسته‌ای برای چین محسوب می‌شود. چینی‌ها اذعان کردند که به تجربیات فرانسه در این زمینه نیاز دارند (غفاری، ۱۳۹۲).

#### د) ایران

در خصوص ایران نیز سیاست‌های فرانسه از یک سو معطوف به مهار کردن و محدود ساختن نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه و از سوی دیگر جستجو برای نقش‌آفرینی در حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران بوده است. به نظر می‌رسد فرانسه در پی آن باشد که با آمیزه‌ای از دیپلماسی، تحریم و تهدید ایران را به تغییر رفتار خود وادار سازد. فرانسه به همراه سایر کشورهای اروپایی حمله نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران را دارای پیامدهای خطرناک برای منطقه و جهان می‌داند و آن را در راستای منافع خود ارزیابی نمی‌کند، اما معتقد است با تشدید تحریم‌ها و گوش‌زد کردن خطر حمله نظامی به‌ویژه از جانب اسرائیل، می‌توان ایران را به نرمش در مواضع خود ترغیب کرد. به‌رغم مواضع تند فرانسه، جاه‌طلبی‌های شخصی سارکوزی و نیز تمایل فراوان فرانسه به ایفای نقش در حل موضوع هسته‌ای ایران می‌تواند، در صورت فراهم آمدن شرایط مناسب، فرصتی برای ایران پدید آورد تا به حل مسائل باقی‌مانده در این زمینه با غرب بپردازد.

تغییر در نقش و جایگاه دو کشور در منطقه به دنبال تغییر موازنه قوا<sup>۲</sup> در آن و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، سبب بروز اصطکاک منافع بین دو کشور شده است و اینک

کسری تراز تجاری فرانسه با چین را کاهش و صدور کالاهای فرانسوی به چین را افزایش دهد.

روزنامه‌های چینی که موضع و دیدگاه‌های رهبران چین را منعکس می‌کنند نوشتند: یکی از اهداف اولاند در سفر به چین، جلب کمک‌های اقتصادی این کشور با هدف کاهش بحران بدهی اروپا است. در عین حال اولاند تلاش می‌کند کالاهای بیشتری را به چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان صادر کند. اما به اعتقاد نویسندگان روزنامه‌های چینی، فرانسوا اولاند در حالی موفق به انجام این کار خواهد شد که قانون محدودیت بر روی صادرات تکنولوژی‌های پیشرفته به چین را لغو کند. این درحالی است که فرانسه به‌عنوان عضو مهم اتحادیه اروپا و همگام با سیاست‌های آمریکا، چین را به دلیل سرکوب جنبش دموکراسی خواهی «میدان تیان‌آن‌من»<sup>۱</sup> پکن در چهارم ژوئیه سال ۱۹۸۹ تحت تحریم تسلیحاتی قرار داد که این تحریم هنوز به قوت خود باقی است. منافع بالای تجاری چین و فرانسه مانع از آن شده است که روابط سیاسی و مناسبات اقتصادی دو کشور به تیرگی گراید. بین چین و فرانسه چندین قرار داد به ارزش ۲۰ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ منعقد شد. این قرار دادها در زمینه صنایع، هواپیمایی، هسته‌ای، تجاری و فرهنگی بود. فرانسوی‌ها یک قرار داد هسته‌ای به ارزش هفت میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار با چین امضاء کردند و همچنین متعهد شدند که نیروگاه‌های برق هسته‌ای چین را احداث کنند. لی‌که‌کیانگ<sup>۲</sup>، نخست وزیر کنونی چین که در آن مقطع در پست معاونت نخست وزیر

<sup>1</sup> Tiananmen Square

<sup>2</sup> Li Keqiang

<sup>3</sup> Balance Power





نمی‌تواند به ضرر ما باشد و احیانا منافع معقولی نیز از آن برای ایران حاصل می‌شود (خالوزاده، ۱۳۹۴).

### روند آینده سیاست خارجی فرانسه

از زمان روی کار آمدن اولاند، فرانسه در زمینه سیاست خارجی نقشی فعال‌تر ایفا کرده است و کوشیده است تا در زمینه حل بحران‌های بین‌المللی پیشگام باشد. البته باید توجه داشت که در این راستا، فرانسه سعی می‌کند از منابع و امکانات دیپلماتیک خود در جهت استفاده به عمل آورد که همسو با اهداف و سیاست‌های کلان آمریکا باشد. فرانسه با اتخاذ سیاستی فعال در پی آن برآمده است تا در عرصه سیاست بین‌الملل وجهه و نفوذ خود را افزایش دهد. به‌کارگیری آموزه‌های قدرت هوشمند توسط دولت‌مردان فرانسه باعث تعریف متفاوتی از تهدیدها و چالش‌های این کشور شده است. بر این اساس، فرانسه مداخله در کانون‌های بحرانی را تبدیل به موضوعی کرد که می‌توانست در سطح بین‌الملل موقعیت جهانی و تأثیرگذاری منطقه‌ای این کشور را گسترش دهد (Guler, 2014).

اولاند با در نظر گرفتن امکانات و مقدرات محدود فرانسه، تنها راه برای دستیابی به این مقصود را در این دیده است که به جای آنکه فرانسه مانعی بر سر راه سیاست‌های آمریکا باشد، همسو با آن سیاست‌ها حرکت کند. از سوی دیگر، مشاهده می‌شود که در رفتارهای سیاست خارجی فرانسه نوعی شتاب‌زدگی وجود دارد که در چند مورد به عذرخواهی و عدول از مواضع اتخاذ شده منجر شده است. طبیعی است که این شتاب‌زدگی و بیان سخنان و اعلام مواضع نسنجیده به منافع ملی فرانسه آسیب خواهد رساند

فرانسه که خود را از اهرم‌های سنتی خود در منطقه محروم می‌بیند، می‌کوشد با همسویی بیشتر با آمریکا ایران را به چالش بکشد (واعظی و ایزدی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

از آنجا که فرانسه در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای سیاست خارجی فعال‌تر و پویاتری را در پیش گرفته و به‌ویژه در سطح منطقه‌ای همگام با سیاست‌های آمریکا در جهت ایجاد نظمی حرکت می‌کند که مطلوب آمریکاست، روابط میان دو کشور ایران و فرانسه بیش از پیش تنش‌آلود خواهد شد. می‌توان انتظار داشت که برخوردهای دو کشور در سطح منطقه‌ای روابط دوجانبه میان دو کشور را نیز تحت تأثیر قرار دهد (ایزدی (ب)، ۱۳۸۷).

به‌طور سنتی، فرانسه از فردای جنگ جهانی دوم و به‌خصوص از دوران جمهوری پنجم در سال ۱۹۵۶ یک سیاست عربی داشته است که تمامی دولت‌ها و رؤسای جمهوری فرانسه این سیاست عربی را دنبال کرده‌اند. با جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای بین ایران و ۱+۵ در وین، به نظر می‌رسد فرانسه با بسترسازی در کشورهای عربی و قراردادهای خوبی که با این کشورها منعقد کرده است، اکنون می‌خواهد رابطه خود را با ایران هم‌عادی کند و از نظر منافع فرانسه، بهترین حالت ممکن این است که هم بازار ایران و هم بازار کشورهای عربی را داشته باشد. در این راستا بنظر می‌رسد فرانسه تلاش می‌کند مناسبات سیاسی بین ایران و کشورهای عربی نیز بهبود یابد و حساسیت در روابط ایران و کشورهای عربی کاهش یابد. این امر کاملاً در جهت منافع فرانسه بوده و این کشور بدون نگرانی از اختلافات ایران با اعراب سعی می‌کند با هر دو طرف مناسبات گسترده و سازنده‌ای برقرار سازد. البته این امر

### فروش تسلیحات

منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک بخش اعظمی از سفارش‌های تجاری کشور فرانسه را تشکیل می‌دهد که عربستان سعودی در رأس این قراردادها قرار دارد و حضور سیاسی فرانسه در منطقه خاورمیانه را پررنگ‌تر کرده است. در طی سال‌های اخیر به‌ویژه در سال ۲۰۱۵، مبادلات تجاری فرانسه با کشورهای عربی به اوج خود رسید. پیش‌ازین نیز همواره عربستان سعودی به‌عنوان یکی از کشورهای خاورمیانه در صدر مشتریان نظامی فرانسه قرار داشته است.

نمودار (۱) مهم‌ترین مشتریان خرید اسلحه از فرانسه طی سال‌های ۲۰۱۰ تا

۲۰۱۴



میزان رفت‌وآمدهای سران دو کشور در سال ۲۰۱۵ تا ماه اکتبر امسال به صورتی آشکار ادامه داشته است. فرانسوا اولاند در ماه مه سال ۲۰۱۵ با سفر به ریاض به اولین رئیس‌جمهور غربی حاضر در اجلاس رهبران شورای همکاری خلیج فارس تبدیل شد. اولاند در این شورا از

و دستیابی به اهداف سیاست خارجی را برای این کشور دشوارتر خواهد کرد.

### دلایل حضور فرانسه به خاورمیانه

طی سال‌های اخیر فرانسه دیپلماسی فعالی را در خاورمیانه در پیش گرفته است. این دیپلماسی فعال در قالب ابتکاراتی از سوی این کشور جلوه‌گر شده است. پیوندهای سنتی فرانسه با خاورمیانه و استفاده از خلاء ناشی از رکود در تحرکات سیاست خارجی آمریکا در منطقه سبب شده تا بار دیگر فرانسه در پی نقش آفرینی بیشتر در این منطقه حساس جهان برآید. از جمله ابتکارات اخیر فرانسه می‌توان به نزدیکی با سوریه تلاش برای برقراری روابط گرم‌تر با اسرائیل دیپلماسی هسته‌ای و برگزاری اجلاس اتحاد برای مدیریتانه در پاریس اشاره کرد. پرسشی که در این میان مطرح است این می‌باشد که چه عوامل و انگیزه‌هایی باعث شده است تا فرانسه به این ابتکارات جدید در منطقه دست بزند و فرانسه چه اهدافی را در این رابطه دنبال می‌کند. پس از صف‌آرایی تروریست‌های داعش در اطراف پرچم فرانسه و حمله به خاک اروپا به‌ویژه پس از واقعه تروریستی ۱۳ نوامبر در پاریس و کشته شدن ۱۳۰ نفر، فرانسوا اولاند اعلام کرد که «فرانسه در وضعیت جنگ قرار دارد». «در واقع نگرش فرانسه از زمان حملات ۱۳ نوامبر، با اجرای سریع حملات هوایی در سوریه، استقرار ناو هواپیمابر شارل دوگل و همکاری با نظامیان روسی، تغییر کرد و به مداخله نظامی این کشور در خاک سوریه انجامید.





طرح‌ها و خطرات ناشی از دخالت کشورها در امور داخلی  
خلیج فارس (اشاره غیرمستقیم به ایران) صحبت کرد. انگیزه  
اولاند از شرکت در این اجلاس فروش سلاح بیشتر به  
کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی بوده  
است. طبق گفته وزارت دفاع فرانسه صادرات سلاح به  
عربستان سعودی و مصر از تعهدات بین‌المللی فرانسه است  
(جلال‌زاده، ۱۳۹۵).

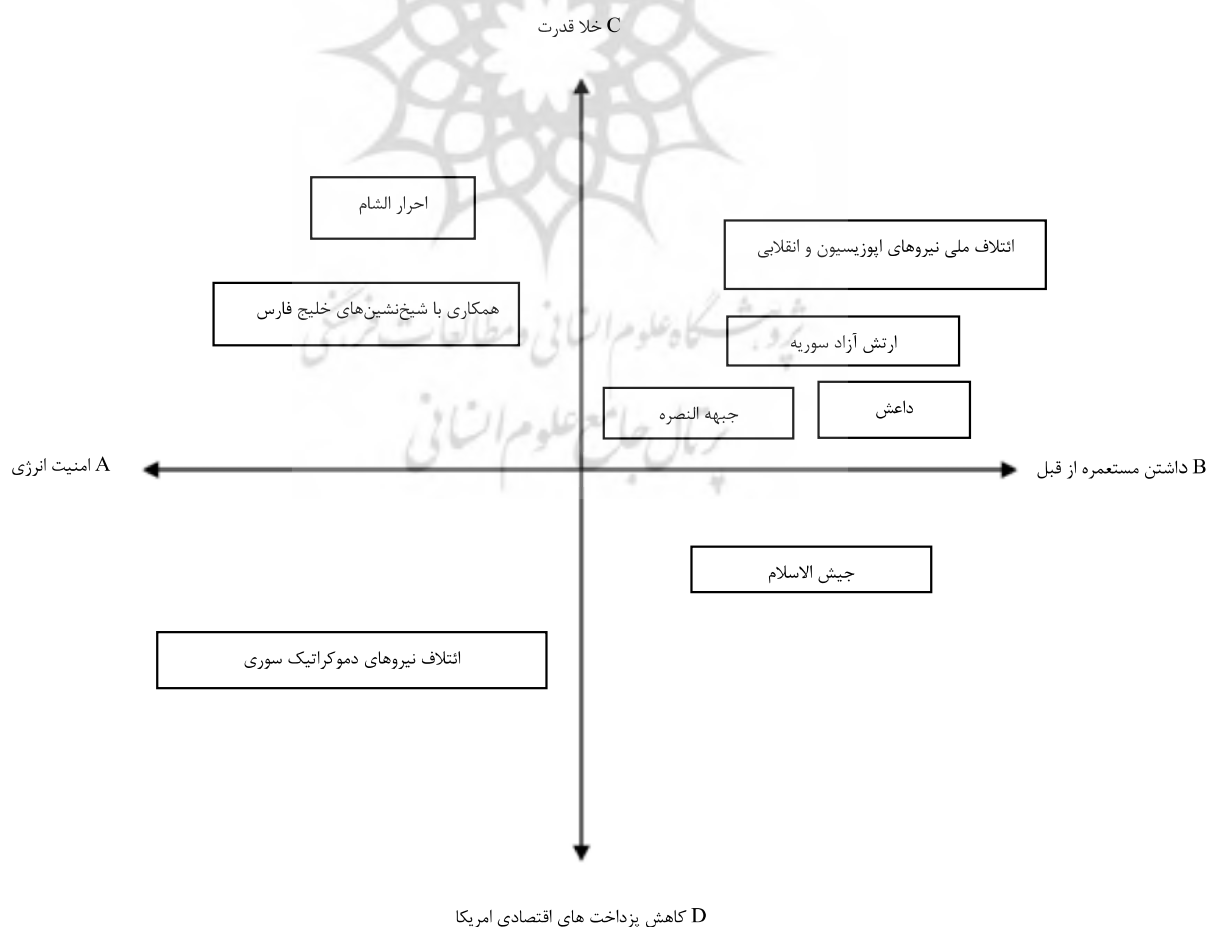
## رویکرد فرانسه در سوریه

مصادق	مؤلفه‌ها	رویکرد فرانسه نسبت به سوریه
فرانسه در سال ۲۰۱۲، این ائتلاف را به عنوان تنها نماینده رسمی مردم سوریه و به عنوان دولت دموکراتیک سوریه آتی به رسمیت می‌شناسد. رادیو فرانس، در خبری تحت عنوان شتاب فرانسه در به رسمیت شناختن اپوزیسیون سوریه، اعلام می‌کند این تصمیم دولت فرانسه چند ساعت پس از تشکیل ائتلاف مذکور و به حمایت حکومت‌های سلطنتی خلیج فارس از این ائتلاف اتخاذ شده‌است. فرانسوا اولاند، در همان سال (۲۰۱۲)، ریاست وقت ائتلاف مذکور را در پاریس به حضور پذیرفته و به وی قول بازگشایی سفارتی موقتی را می‌دهد. بنا به گزارش رادیو تلویزیون فرانسه، دولت فرانسه در سال ۲۰۱۲ و پیش از لغو تحریم‌های تسلیحاتی اتحادیه اروپا علیه ائتلاف مذکور (۲۰۱۳)، اقدام به تحویل تسلیحات به ائتلاف ملی نیروهای اپوزیسیون و انقلابی کرده‌است. با علنی شدن این اقدام دولت فرانسه، بشار اسد نسبت به این اقدام اولاند به شدت موضع می‌گیرد و آن را حمایت از تروریسم تلقی می‌کند.	ائتلاف ملی نیروهای اپوزیسیون و انقلابی	
در سال ۲۰۱۵، نماینده سازمان ملل متحد در دمشق، اعضای ارتش آزاد سوریه را ۱۵ درصد از کل شورشیان سوریه برآورد کرد. مسئول روابط عمومی ارتش آزاد سوریه لوای مقداد نیز به همکاری جبهه النصره اذعان کرده و گفته است، این همکاری جنبه تاکتیکی داشته و به معنای پذیرش ایدئولوژی سلفی توسط ارتش مذکور نمی‌باشد. عبد الجبار العکیدی، کلنل سابق و یکی از فرماندهان کنونی ارتش آزاد سوریه به روابط ارتش مذکور با داعش اذعان داشته و رهبران داعش را غیر تکفیری معرفی می‌کند. (ویدئویی در یوتیوب)، رادبو و تلویزیون فرانسه نیز پیوستن غالب اعضای ارتش آزاد فرانسه به داعش را تایید می‌کند. این همه، فرانسوا اولاند علنا از لزوم حمایت از این ارتش به عنوان شورشیانی با اندیشه دموکراتیک حمایت کرده‌است.	ارتش آزاد سوریه	
فرانسه گروه جیش الاسلام را اپوزیسیون میانه رو تلقی کرده و از آن حمایت می‌کند. در واقع فرانسه منکر تروریستی بودن این گروه‌است.	جیش الاسلام	
از آنجا که یکی از اولویت‌های سیاست خارجه فرانسه در سوریه جلوگیری از هرگونه تداخلی با منافع عربستان بوده و کردهای سوریه به کنفرانس اپوزیسیون سوریه در ریاض (سپتامبر ۲۰۱۵) دعوت نشده اند، فرانسه با سرسختی تمام به مخالفت با حضور کردها در مذاکرات انتقال قدرت می‌پردازد.	ائتلاف نیروهای دموکراتیک سوری	گروه‌های سیاسی- نظامی اپوزیسیون دولت بشار اسد و موضع فرانسه نسبت به این گروه‌ها
- گفته سابق فابیوس (۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵) که اعلام کرده بود تنها ائتلاف داعش و گروه‌های تروریستی را هدف قرار خواهد داد در تناقض است. پر واضح است که اولاند علنا از مبارزه علیه جبهه النصره سر باز زده‌است. - فابیوس در سپتامبر ۲۰۱۲ از پیشرفت جبهه النصره ابراز خوشنودی کرد. - ژاک میار، شهردار و نماینده مجلس، به حمایت دولت فرانسه از جبهه النصره در سوریه اعتراض کرده‌است. فابیوس هم وی را متهم به حمایت از دولت بشار اسد کرده‌است. - کلود کواسگن، نماینده پارلمان و همچنین شهردار منطقه ۱۶ پاریس، دولت فرانسه را متهم به حمایت از القاعده کرده‌است.	جبهه النصره	
رئیس ستاد عملیاتی ارتش فرانسه، در گزارشی در برابر اعضای کمیسیون امور خارجه سنا و ارتش فرانسه، تا پیش از تصمیم کاخ الیزه مبنی بر تشدید حملات ضد داعش، به طور متوسط روزانه دو بمب پرتاب می‌کردند که با اتخاذ تصمیم جدید کاخ الیزه، این میزان دو برابر شده‌است. نیروهای فرانسه قادر به انجام حملات بیشتری هستند ولی از آنجا که شناسایی مواضع کار دشواری است به همین میزان اکتفا می‌شود. ارتش فرانسه در سوریه نیز از سپتامبر ۲۰۱۵ تا نیمه دسامبر گذاشته، ۷۵۰ تا ۸۰۰ بمب پرتاب نموده‌است. تا پیش از ۱۳ دسامبر ۲۰۱۵، ارتش فرانسه تنها چهار درصد از مجموع حملات هوایی ضد داعش را انجام می‌داد ولی با دستور رئیس جمهور فرانسه پس از حملات تروریستی ۱۳ دسامبر، تعداد حملات هوایی ضد داعش را سه تا چهار برابر شده است.	داعش	
فرانسه هیچ موضع گیری مشخصی (نه مثبت و نه منفی) نسبت به احرار الشام نداشته است، با این همه با توجه به رابطه حسنه ائتلاف غربی نسبت به احرار الشام، احتمالاً موضع فرانسه نسبت به این گروه تابع دیدگاه‌های ائتلاف غربی ضد داعش می‌باشد.	احرار الشام	

### تروریسم

فرانسوا اولاند در یکی از سخنرانی‌های خود گفت: «هیچ تمایزی میان سیاست‌های داخلی و خارجی فرانسه وجود ندارد.» باید به صورت هم‌زمان با تهدیدها دست‌وپنجه نرم کرد (Skupin, 2011). علاوه بر تروریسم، بحران‌های اروپا از جمله، خروج خشونت و افراط‌گرایی از خاورمیانه، ظهور جنبش‌های پوپولیستی، افزایش مشکلات حاکی از بحران مهاجرت، افزایش قدرت‌نمایی روسیه، همه به هم پیوست و به گسترش پیشروی اروپا در خاورمیانه منجر شد. امری که در نهایت فرانسوا اولاند را بر آن داشت تا پیشنهادی مبنی بر شکل‌گیری یک ائتلاف فراگیر با شرکت واشنگتن، مسکو و پاریس برای جنگ با داعش دهد.

پس از صف‌آرایی تروریست‌های داعش در اطراف پرچم فرانسه و حمله به خاک اروپا به‌ویژه پس از واقعه تروریستی ۱۳ نوامبر در پاریس و کشته شدن ۱۳۰ نفر، فرانسوا اولاند اعلام کرد که «فرانسه در وضعیت جنگ قرار دارد.» در واقع نگرش فرانسه از زمان حملات ۱۳ نوامبر، با اجرای سریع حملات هوایی در سوریه، استقرار ناو هواپیمابر شارل دوگل و همکاری با نظامیان روسی، تغییر کرد و به مداخله نظامی این کشور در خاک سوریه انجامید. در واقع این حملات، ارتباط میان خشونت‌گرایی افراطی در فرانسه و بحران‌های منطقه‌ای خاورمیانه را بیشتر آشکار نمود. بدین ترتیب





از سوی دیگر تغییر نگرش غرب نسبت به ایران پس از برجام که باعث ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران گردید و همچنین عدم موفقیت غرب در پیروزی سریع در سوریه، باعث شد تا فرانسه قدرت ایران را به‌عنوان قدرت منطقه برای حفظ ثبات و امنیت کوچک بشمارد. سفر هیئت بزرگ اقتصادی مدف، آمادگی طرف فرانسوی برای استقبال از رئیس‌جمهور کشورمان، در کنار سفر وزرای بهداشت و جهاد کشاورزی همه گویای همین مطلب هستند. در واقع حضور فرانسه در خاورمیانه این بار نتوانست خلاصی در قدرت ایران در منطقه ایجاد کند بلکه خود عامل قوتی برای شناساندن جایگاه ایران بود.

### آینده محتمل

فرانسه نیز مانند بریتانیا در گذشته دارای مستعمراتی در خاورمیانه بوده است. با خروج آمریکا از این منطقه، فرانسه نیز باز خواهد گشت. همچنین طی سال‌های اخیر فرانسه دیپلماسی فعالی را در خاورمیانه در پیش گرفته است. این دیپلماسی فعال در قالب ابتکاراتی از سوی این کشور جلوه‌گر شده است. پیوندهای سنتی فرانسه با خاورمیانه و استفاده از خلاء ناشی از رکود در تحرکات سیاست خارجی آمریکا در منطقه سبب شده تا بار دیگر فرانسه در پی نقش آفرینی بیشتر در این منطقه حساس جهان برآید. از جمله ابتکارات اخیر فرانسه می‌توان به نزدیکی با سوریه تلاش برای برقراری روابط گرم‌تر با اسرائیل دیپلماسی هسته‌ای و برگزاری اجلاس اتحاد برای مدیترانه در پاریس اشاره کرد. پرسشی که در این میان مطرح است این می‌باشد که چه عوامل و انگیزه‌هایی باعث شده است تا فرانسه به این

چرخش دوباره فرانسه به خاورمیانه دلیلی بیش از امتیازات سیاسی یا برد در قراردادهای تسلیحاتی در مقابل لندن و واشنگتن را داشته است و نه تنها با انگیزه‌ی ایجاد فرصت‌های اقتصادی در این منطقه بلکه سکوی پرتابی برای مقابله با تهدیدات امنیتی است که برای فرانسه و بقیه اروپا قابل چشم‌پوشی نیستند. جانانان ایال کارشناس مسائل اروپا عقیده دارد که فرانسه پیش‌بینی می‌کند که آمریکا در درازمدت علاقه خود را نسبت به دفاع از اروپا از دست خواهد داد و اکنون نوبت اروپاست که از خود مواظبت کند. از طرفی فروش بی‌پروای تسلیحات به خاورمیانه باعث افزایش تنش دیپلماتیک و نظامی در خاورمیانه و آسیا شده است. جنگ‌های راه‌اندازی شده توسط امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی آن، خاورمیانه را به یک حمام خون فرقه‌ای تبدیل کرده است. قدرت‌های استعماری قدیمی همچون فرانسه با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی زمینه را برای جنگ‌های منطقه‌ای و حتی جنگ جهانی فراهم کرده‌اند.

در این میان فرانسه‌ای که خواستار حفظ مرکزیت خود در خاورمیانه بود آن‌چنان که باید به این هدف نرسید. سفر اولاند نیز به واشنگتن، به باراک اوباما امکان داد بار دیگر تأکید کند که خود وی بیش از یک سال پیش ابتکار ائتلاف بزرگ ۶۵ کشور را به خرج داده بود و این که از فرانسه انتظار دارد حضوری سفت‌وسخت در این ائتلاف داشته باشد. در مسکو نیز گفتگوها با ولادیمیر پوتین در بیست و ششم نوامبر، در نهایت نقش جدیدی را به رئیس‌جمهور روسیه اعطا کرد به طوری که وی بدون اشاره به ایده فرانسه برای تشکیل ائتلاف، پیشنهاد داد حملات ارتش خود در سوریه را با فرانسه هماهنگ می‌کند (Mikail, 2014).

گذاشتن به اقدامات آمریکا را ایفا کند. لذا فرانسه درصد است به موازات کشمکش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر سر قدرت در خاورمیانه، از طریق ایفای نقش اساسی و احیای حوزه نفوذ سنتی خود، موضع کلیدی‌تری در مسائل مهم خاورمیانه مثل صلح خاورمیانه، انرژی و موضوعات دیگر به دست بیاورد.

از سوی دیگر با باز شدن پای فرانسه به سوریه، پاریس بهتر می‌تواند بر تحولات لبنان به عنوان دیگر پایگاه نفوذ سنتی خود اثر بگذارد. سقوط احتمالی بشار اسد و تنگناهای برآمده از آن برای حزب الله لبنان، توازن قدرت خاورمیانه را به شکل قابل توجهی برعلیه ایران و به نفع فرانسه برهم خواهد زد. امری که پیامدهای ژئوپلیتیکی مهمی را در آینده منطقه رقم خواهد زد.

### نتیجه‌گیری

چرخش دوباره فرانسه به خاورمیانه دلیلی بیش از امتیازات سیاسی یا برد در قراردادهای تسلیحاتی در مقابل لندن و واشنگتن را داشته است و نه تنها بانگیزه‌ی ایجاد فرصت‌های اقتصادی در این منطقه بلکه سکوی پرتابی برای مقابله با تهدیدات امنیتی است که برای فرانسه و بقیه اروپا قابل چشم‌پوشی نیستند. از طرفی فروش بی‌پروای تسلیحات به خاورمیانه باعث افزایش تنش دیپلماتیک و نظامی در خاورمیانه و آسیا شده است. جنگ‌های راه‌اندازی شده توسط آمریکا و متحدان اروپایی آن، خاورمیانه را به یک حمام خون فرقه‌ای تبدیل کرده است. قدرت‌های بزرگ همچون فرانسه با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی زمینه را برای جنگ‌های منطقه‌ای و حتی جنگ جهانی فراهم کرده‌اند.

ابتکارات جدید در منطقه دست بزند و فرانسه چه اهدافی را در این رابطه دنبال می‌کند.

انقلاب‌های عربی فرصت مناسبی را برای بازگشت و احیای نفوذ فرانسه به منطقه خاورمیانه فراهم آورده است. تحولات سوریه مناسب‌ترین فرصت را برای فرانسه به وجود آورده است. رفتار فرانسه در لیبی و سوریه نشان دهنده این است که فرانسه به دنبال ایفای یک نقش رهبری منطقه‌ای است. از سوی دیگر این کشور با رفتار یک‌سان در قبال لیبی و سوریه سعی می‌کند خود را مقید به نوعی سیاست خارجی هنجاری و اخلاقی نشان دهد. درست است که سیاست کنونی فرانسه در قبال منطقه، نسبت به دوره‌های قبلی ارزش محورتر شده است اما واقعیت این است که رفتار سیاست خارجی فرانسه در مورد لیبی و مخصوصاً سوریه حائز ویژگی پراگماتیسم در کنار لعاب آرمان‌گرایی است. با توجه به سیاست کلان غرب در بحران سوریه، فرانسه تلاش کرد از سیاست واقع‌گرایی پیشین خود در قبال تعامل با نظام بشار اسد به نوعی سیاست عمل‌گرایانه ارزش محور به تناسب فضای غربی حاکم بر تحولات سوریه تغییر فاز دهد. ورود و تداوم نقش فرانسه در سوریه به ژانوس دو چهره‌ای شبیه بود که سعی می‌کرد بین نگاه و منافع بروکسل و پاریس پیوندی برقرار کند. تأکید بر وجه منطقه‌ای، چندجانبه‌گرایانه و ارزش محور بیشتر مدنظر بروکسل بود و ایفای نقش رهبری منطقه‌ای در اروپا و شکل دادن به آینده خاورمیانه مدنظر پاریس بود. ضمن اینکه تلاش برای پیوند این دو نگاه محدودیت‌های قدرت فرانسه را در بر خورد با تحولات منطقه جبران می‌نمود. فرانسه چندان راغب نیست همچون بحران‌های دیگر در خاورمیانه صرفاً نقش صحنه



مؤسسه ایرانی مطالعات اروپا و آمریکا.

- ۷- ملاقدیمی، علیرضا (۱۳۸۲)، همگرایی در سیاست‌های نوین فرا-آتلانتیکی و خاورمیانه‌ای فرانسه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۸- واعظی، محمود (آبان ۱۳۸۶)، «تحولات اتحادیه اروپا و رویکرد سیاست خارجی فرانسه؛ تغییر معادله»، همشهری دیپلماتیک.
- ۹- واعظی، محمود و ایزدی، پیروز (۱۳۹۰)، ایران در سیاست خارجی فرانسه، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

لاتین:

- 1- Guler, Selin (15 May 2014). French Foreign Policy in Middle East : The Case of Syria. BIGESAM Analysis. *Wise Men Center for Strategic Studies (BILGESAM)*. No: 1131. pp.1-3
- 2- Skupin, Lucas (20 June 2011). To what extent did the Arab spring trigger a transformation of dominant paradigms in French foreign policy? *Master- Thesis. The Institute European Institute (IEEI)*.
- 3- Mikail, Barah (November 2014). France's shifting Middle Eastern alliances. *Policy Brief*, NO.188.
- 4- Wallerstein, Immanuel (16 May 2007). France: The End of Gaullism? <http://www.middle-east-online.com/>.

از سوی دیگر تغییر نگرش غرب نسب به ایران پس از برجام که باعث ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران گردید و همچنین عدم موفقیت غرب در پیروزی سریع در سوریه، باعث شد تا فرانسه قدرت ایران را به‌عنوان قدرت منطقه برای حفظ ثبات و امنیت کوچک نشمارد. سفر هیئت بزرگ اقتصادی مدف، آمادگی طرف فرانسوی برای استقبال از رئیس‌جمهور کشورمان، در کنار سفر وزرای بهداشت و جهاد کشاورزی همه گویای همین مطلب هستند. درواقع حضور فرانسه در خاورمیانه این بار نتوانست خلالی در قدرت ایران در منطقه ایجاد کند بلکه خود عامل قوتی برای شناساندن جایگاه ایران بود.

## فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ایزدی، پیروز (۱۳۸۶)، «سیاست خارجی فرانسه: تداوم یا تغییر»، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات اروپا و آمریکا.
- ۲- ایزدی، پیروز (الف) (۱۳۸۷)، «سیاست خاورمیانه‌ای جدید فرانسه»، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات اروپا و آمریکا.
- ۳- ایزدی، پیروز (ب) (اردیبهشت ۱۳۸۷)، «چشم‌انداز سیاست خارجی آتی فرانسه / فرانسه و هویت دفاعی اروپا»، فصلنامه پژوهش - کده تحقیقات راهبردی.
- ۴- سروستانی، عباس (۱۳۹۱)، «تحلیل سیاست خارجی فرانسه پس از انتخابات اخیر»، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱، قابل دسترسی در: <http://www.idsp.ir/fa/pages/?cid=۶۶۷۱>
- ۵- جلال‌زاده، سید مجتبی (۱۳۹۵)، «فرانسه در خاورمیانه»، هفته‌نامه خبری - تحلیلی مثلث، شماره ۳۴۲.
- ۶- لک، نوشین (۱۳۹۴)، «چرخش دوباره فرانسه به خاورمیانه»،